

نگاه

تخریب اشتباه‌است

یکی از مخاطب‌های روزنامه «شرق» در نامه‌ای نسبت به بیمارستانی که قدمت تاریخی دارد و در آستانه تخریب است، توضیحاتی داده که در ادامه می‌خوانید: «بیمارستان ۵ آذر سال‌های مدیدی است که بیمارستان اصلی و مرکزی شهر گرگان و منطقه استان گلستان بوده است. اینجا قدمتی دیرینه دارد. حدودأ اوایل قرن گذشته ۱۳۱۰ که خود شناسنامه تمدنی و سابقه نهادهای سلامتی و درمانی منطقه و کشور است. ضمنأ واقعه کشتار مجروحان قیام مردم گرگان در زمان انقلاب تظاهرات ۵ آذر ۱۳۵۷ و مردم عادی امدادرسان به آنان در این مکان اتفاق افتاده است که اهمیت تاریخی این ساختمان را دوچندان می‌کند. چند سال پیش یکی از دو ساختمان اصلی دارای قدمت آن کاملا تخریب و بنای معظمی جای آن قرار گرفت. سال گذشته نیز به دلیل قدیمی بودن ساختمان دوم، تصمیم به تخریب و احداث بنای جدید جای آن گرفته شد که اخیرأ شروع به عملیات کرده‌اند. لازم به ذکر است همه جای دنیا به جای تخریب چنین بناهایی سعی در محافظت و استحکام‌بخشی و بازسازی به همان شکل اولیه و شاید تغییر کاربری متناسب با بنا در همان راستای فعالیت آن مجموعه می‌کنند. با توجه به اینکه امکان طرح جایگزین مقبول‌تر و فنی‌تری در همان فضای محوطه بیمارستان وجود دارد و نیز شروع احداث یک بیمارستان بسیار بزرگ دیگر در گرگان اصلا تخریب این بنا کاملا غیرضروری است.»

گزارش خبری

تهرانی‌ها خون‌اهدانکند

ایستنا: مدیرکل انتقال خون استان تهران با بیان اینکه روند نزولی کاهش اهدای خون همچنان ادامه دارد، گفت: از مردم درخواست می‌کنم نسبت به اهدای خون اقدام کنند و مانند همیشه یاریگر سازمان انتقال خون باشند تا مانند همیشه پاسخ‌گوی نیاز بیماران باشیم.

دکتر سید منظر شبر درباره میزان مراجعه تهرانی‌ها برای اهدای خون گفت: میزان مراجعه پایین برای اهدای خون در استان تهران همچنان ادامه دارد. بردت هوای سرد و همچنین تعطیلات متعدد ماه‌های اخیر مزید بر علت شده و میزان مراجعه برای اهدای خون را تحت تأثیر قرار داده است. او درباره توزیع خون در مراکز درمانی توضیح داد: روزانه هزارو صد واحد خونی به طور متوسط اهدا می‌شود و این در حالی است که هزارو ۶۰۰ واحد خونی در هر روز در مراکز درمانی توزیع می‌شود. مراجعه برای اهدای خون یک امر ضروری است و مردم نباید تصور کنند که اهدای خون یک امر فوق‌برنامه است. تمام افرادی که می‌توانند خون اهدا کنند در نظر داشته باشند که ممکن است در هر لحظه خود با یک نفر از اعضای خانواده آنها ممکن است به خون نیاز داشته باشد.

مدیر کل انتقال خون استان تهران افزود: براساس این شرایط، از مردم درخواست می‌کنم نسبت به اهدای خون اقدام کنند و مانند همیشه یاریگر سازمان انتقال خون باشند تا مانند همیشه پاسخ‌گوی نیاز بیماران باشیم. او درباره تأثیر تعطیلات بر کاهش اهدای خون گفت: تیم‌های سیار اداره کل انتقال خون استان تهران به مجموعه‌های مختلف مراجعه می‌کنند و خون‌گیری انجام می‌شود. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از خون‌های اهدایی در تیم‌های سیار اهدا می‌شود، تعطیلی روزهای هفته سبب کاهش میزان مراجعه برای اهدای خون می‌شود.

روندافزایشی تصادفات پس از کرونا

به گزارش وزارت بهداشت جانشین پلیس راهور کشور با اشاره به همکاری تنگاتنگ پلیس و اورژانس در حوادث ترافیکی، از تلاش‌های مجموعه اورژانس کشور تقدیر کرد.

به گزارش ایسنا، سردار حسن مؤمنی در اجلاس رؤسای اورژانس پیش‌بیمارستانی کشور، اظهار کرد: هدف از حضور ما در این اجلاس، عرض خسته نباشید به مجموعه اورژانس کشور است. اورژانس و پلیس در بسیاری از ماموریت‌ها در کنار هم خدمت‌رسانی می‌کنند و این تعامل نقش مهمی در کاهش تصادفات انسانی ناشی از تصادفات دارد.

او با بیان اینکه ۲۳ دستگاه در حوزه تصادفات وظیفه دارند، اما بار اصلی بر دوش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و اورژانس است و با تأکید بر اهمیت تحلیل آمار تصادفات به‌ویژه در آستانه نوروز، تصریح کرد: هیچ چیز شیرین‌تر از نجات جان انسان‌ها نیست، این موضوع نه‌تنها در زندگی دنیوی بلکه در آخرت نیز تأثیرگذار است. خدا را شکریم که در مسیر نجات جان انسان‌ها، گام برمی‌داریم. جانشین پلیس راهور کشور با ارائه آمار ۱۴۰۳ در ۵۶۹ تصادفات در کشور گفت: آمار تصادفات از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ رشد ۲۶۹ درصدی داشته و تعداد جان‌باختگان در این مدت به ۲۷۰هزارو ۵۹۸ نفر رسیده است.

او افزود: بیشترین کاهش تلفات در سال ۱۳۸۶ رقم خورد و این روند کاهشی تا سال ۱۳۹۹ ادامه داشت. اما پس از دوران کرونا، روند تصادفات افزایشی شد. در ۱۰ماهه نخست سال ۱۴۰۳، آمار تصادفات کاهش داشته است.

رتبه ۱۱۲ایران در میان ۱۶۰کشور از نظر تصادفات

سردار مؤمنی با اشاره به وضعیت ایران در تصادفات جاده‌ای اظهار کرد: متأسفانه رتبه ایران در بین ۱۶۰ کشور جهان از نظر تصادفات، ۱۱۲ است. بیش از ۶۲.۷ درصد فوتی‌های کشور در بازه سنی ۲۰ تا ۶۰ سال قرار دارند که از این میزان، بیشترین درصد مربوط به گروه سنی ۲۱ تا ۴۰ سال است.

تصادفات در ۳۰ کیلومتری شهرها بیشتر رخ می‌دهد

جانشین پلیس راهور کشور با اشاره به نزدیک‌شدن تعطیلات نوروزی و افزایش سفرها خاطر‌نشان کرد: بیشترین کاهش تصادفات در اسفندماه گذشته ثبت شد اما با توجه به حجم سفرهای نوروزی، لازم است امسال نیز اقدامات پیشگیرانه با جدیت دنبال شود.

او ادامه داد: آمارها نشان می‌دهد که بیشترین تصادفات در محدوده ۳۰ کیلومتری شهرها رخ می‌دهد. همچنین بیش از ۵۵ درصد جان‌باختگان تصادفات مربوط به استان‌های تهران، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، فارس، سیستان وبلوچستان، کرمان، خوزستان و اصفهان است.

سردار مؤمنی توجه‌نکردن به جلو را از مهم‌ترین عوامل بروز تصادفات دانست و تأکید کرد: در بازه زمانی سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲، میزان تردهای جاده‌ای ۸۶ درصد رشد داشته است. همچنین استان مازندران در سال ۱۴۰۳ بیشترین میزان سفرها را به خود اختصاص داده است.

او با اشاره به اهمیت هفته دوم تعطیلات نوروزی که با عید سعید فطر تقرارن دارد، اظهار کرد: «این مقطع زمانی بسیار مهم و حائز اهمیت است و تدابیر ویژه‌ای برای مدیریت ترافیک در این ایام اندیشیده شده است.»

تقدیر از تلاش‌های اورژانس ۱۱۵

جانشین پلیس راهور کشور در پایان، از خدمات اورژانس ۱۱۵ در امدادرسانی به مصدومان تصادفات قدردانی کرد و گفت: اورژانس ۱۱۵ همواره نقش مهمی در کاهش تلفات ناشی از تصادفات داشته و همکاری نزدیک این مجموعه با پلیس راهور، بهبود خدمات‌رسانی به حادثه‌دیدگان را به دنبال داشته است.

روز جهانی سازمان‌های غیردولتی در سال جاری با

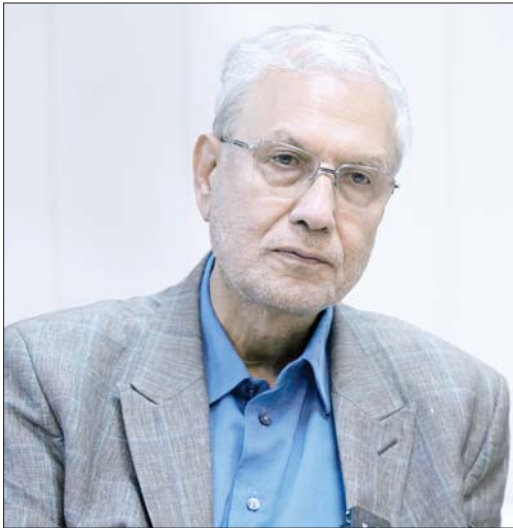
محوریت «توانمندسازی جوامع محلی برای آینده‌ای پایدار» در حالی برگزار می‌شود که جهان بیش از هر زمانی با

ناپایداری‌های متعدد از جمله بحران‌های اقتصادی، جنگ و منازعات مسلحانه، تشدید نابرابری‌های جغرافیایی و تغییرات اقلیمی روبه‌روست. این رویکرد بر نقش حیاتی جوامع محلی در مواجهه با چالش‌های جهانی از جمله تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و بحران‌های زیست‌محیطی دلالت دارد و در ایران نیز با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کنونی، توانمندسازی جوامع محلی و توجه به ساختارهای اجتماعی بیش از هر زمان دیگری ضروری است. بسیاری از مناطق کشور با مشکلاتی همچون کمبود منابع، کاهش فرصت‌های اقتصادی، مهاجرت نیروی کار و چالش‌های زیست‌محیطی روبه‌رو هستند که بدون مشارکت فعال مردم و جوامع محلی، امکان یافتن راه‌حل‌های پایدار برای آنها دشوار خواهد بود. در جوامع توسعه‌یافته، تعامل هماهنگ و هم‌افزایی سه نهاد کلیدی دولت، بازار و جامعه نقشی اساسی در پایداری و ثبات اجتماعی–اقتصادی ایفا می‌کند. دولت از طریق تدوین سیاست‌های کلان، تنظیم مقررات و نظارت بر اجرا، بازار را در مسیر توسعه پایدار و رشد متوازن هدایت می‌کند و بازار نیز با بهره‌گیری از ظرفیت‌های رقابتی و نوآوری، فرصت‌های اقتصادی ایجاد کرده و به افزایش تولید و اشتغال کمک می‌کند. دراین میان، جامعه مدنی با مشارکت فعال و حضور سازمان‌های مردم‌نهاد، نیازهای اجتماعی و فرهنگی را بازتاب داده و بر روند سیاست‌گذاری عمومی تأثیرگذار است.

تعامل هم‌افزای این سه رکن، اعتماد عمومی را تقویت کرده، تضادهای ساختاری را کاهش داده و مسیر تحقق توسعه پایدار را هموار می‌کند. در مقابل، اختلال در عملکرد هریک از این ارکان، به کاهش کارآمدی سایر بخش‌ها منجر خواهد شد و در شرایط کنونی کشور ما، به دلیل نوسانات شدید در بازار، کارکردهای دو رکن دولت و جامعه دچار اختلال شده است. کاهش سرمایه اجتماعی–یکی از چالش‌های پیش‌روی دولت‌هاست که پیامدهای آن بر روابط میان دولت، بازار و جامعه نمایان شده است. در این میان، یکی از راهبردهای مهم، تقویت جامعه مدنی از طریق بازآرایی ظرفیت‌های اجتماعی و مشارکتی از طریق سازمان‌های غیردولتی به عنوان بازیگران کلیدی است. این نهادها به عنوان واسطه‌ای میان دولت و جامعه، قادرند بل‌هایی برای ارتقای تعاملات مثبت، تقویت اعتماد و بهبود شفافیت بسازند. تقویت این نهادها نه‌تنها می‌تواند به بازسازی روابط میان دولت و جامعه کمک کند، بلکه فرصتی برای پاسخ‌گویی و مشارکت بیشتر مردم در فرایندهای حکمرانی فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، نهادهای مدنی می‌توانند کاتالیزور اصلی در فرایند اجتماعی‌شدن دولت و ایجاد هم‌افزایی میان ارکان مختلف جامعه و گذرگاهی امن برای بازگشت به سوی جامعه باشند. این در حالی است که مروری بر وضعیت سازمان‌های غیردولتی در ایران نشان می‌دهد کارکردهای این ساختارها دچار اختلال و اختلال‌های متعددی شده است.

یکی از مهم‌ترین این اختلال‌ها، ریشه در ادراک و خوانش سیاست‌گذار و دولت از مفهوم جامعه دارد. در واقع در ادراک سیاست‌گذار، جامعه پیش از آنکه به عنوان یک کنشگر مستقل و یویای توسعه در نظر گرفته شود، به مثابه محملی برای آسیب‌های اجتماعی تعریف شده است. این نگاه موجب شده سیاست‌گذاری اجتماعی بیشتر ناظر بر مداخله در شرایط بحرانی و مدیریت آسیب‌ها باشد، نه بسترسازی برای توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و تقویت سرمایه اجتماعی. به همین دلیل، وزن بسیاری از برنامه‌ها و اقدامات سیاستی بر محور کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی متمرکز شده، نه حالی که رویکرد توسعه‌محور اقتضا می‌کند که جامعه نه صرفا به عنوان یک موضوع مداخله، بلکه به عنوان یک ظرفیت راهبردی در فرایندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری نقش‌آفرین باشد. نگاهی به ساختارهای فعلی در دولت نیز بازتاب‌دهنده همین رویکرد است، به طوری که دستور کار شورای اجتماعی دولت نیز بر مقابله با آسیب‌های اجتماعی متمرکز است. این غفلت از نقش جامعه مدنی و کنشگران اجتماعی در سیاست‌گذاری، به کاهش سرمایه اجتماعی، تضعیف اعتماد عمومی و محدود‌شدن فضای مشارکت اجتماعی منجر شده و در نهایت، اثربخشی سیاست‌های عمومی را تحت تأثیر قرار داده است.

علاوه‌براین، تصویرسازی از حکمرانی مطلوب در قالب رفتارهای توده‌ستایانه که ارتباط بی‌واسطه و مستقیم دولت و جامعه را ترغیب می‌کند، خود به عنوان مانعی جدی در ساختارمندشدن مطالبات و نیازهای جوامع محلی عمل می‌کند. در این رویکرد، نهادهای مدنی دچار کژکارکردی شده و از ایفای نقش واسطه‌ای خود میان جامعه و دولت



به مناسبت ۲۷ فوریه، روز جهانی سازمان‌های غیردولتی

بازگشت به جامعه

علی ربیعی ویلا فلاحی

علی ربیعی ویلا فلاحی، مدیرکل انتقال خون استان تهران

بازمی‌مانند. از آنجا که سیاست‌گذاری در این چارچوب مبتنی بر پاسخ‌های فوری و موقتی به مطالبات عمومی شکل می‌گیرد، فرایندهای نهادمند مشارکت اجتماعی و تعاملات مبتنی بر کنش جمعی تضعیف شده و بستری برای سیاست‌گذاری پایدار و مبتنی بر شواهد فراهم نمی‌شود. این مسئله نه‌تنها به تضعیف نهادهای مدنی و کاهش نقش آنها در تسهیل گفت‌وگوهای اجتماعی منجر می‌شود، بلکه زمینه را برای تصمیم‌گیری‌های واکنشی و کوتاه‌مدت که فاقد نگاه توسعه‌ای هستند، تقویت می‌کند. در چنین شرایطی، به جای آنکه سیاست‌گذاری بر پایه ظرفیت‌های نهادی و فرایندهای مشارکتی استوار باشد، تحت تأثیر الگوهای هیجانی و مقطعی قرار گرفته و در بلندمدت، پایداری سیاست‌ها و اثربخشی آنها را به چالش می‌کشد.

امر خیر و نیکوکاری در فرهنگ ما، امری تاریخی و ریشه‌دار است که همواره نقشی مهم در تحقق عدالت اجتماعی و حمایت از افراد آسیب‌پذیر ایفا کرده است. از همین رو، در نگاه حکمرانی نیز انتظارات از فعالیت‌های مدنی در همین چارچوب سنتی باقی مانده و تلاش‌ها عمدتا معطوف به بازتولید این سبک از کنش‌های اجتماعی در قالب‌هایی مانند گروه‌های جهادی، امدادرسانی و ارائه خدمات خیریه‌ای شده است. حال آنکه کارکردهای نهادهای مدنی فراتر از این محدوده قرار دارد و چنین رویکردی از سوی دولت، نه‌تنها امکان گسترش ظرفیت‌های اجتماعی این نهادها را محدود می‌کند، بلکه به طور ناخواسته، زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی انفعال در گروه‌های آسیب‌پذیر نیز می‌شود. وقتی نهادهای مدنی صرفا به عنوان مجریان اقدامات حمایتی و جبرانی شناخته شوند، نقش آنها در توانمندسازی، مطالبه‌گری و تقویت ظرفیت‌های اجتماعی کمرنگ شده و این‌ا امر به وابستگی بیشتر افراد نیازمند به کمک‌های مقطعی و غیرپایدار می‌انجامد. در نتیجه، به جای ایجاد پست‌های مشارکتی برای ارتقای سرمایه اجتماعی و توسعه ظرفیت‌های خوداتکایی، ساختارهایی شکل می‌گیرد که بیشتر معطوف به مدیریت کوتاه‌مدت بحران‌هاست تا ایجاد تحولی پایدار در وضعیت گروه‌های آسیب‌پذیر.

در بسیاری از کشورها، نقش جوامع محلی از ظرفیت‌های سنتی خود فراتر رفته و دولت‌ها برای کاهش تصدی‌گری، افزایش شفافیت و سده‌سازی فرایندهای حکمرانی، بخش قابل‌توجهی از فعالیت‌های اقتصادی و خدمات پایه‌ای خود را به سازمان‌های غیردولتی واگذار کرده‌اند. این سازمان‌ها نه‌تنها به عنوان بازوهای اجرایی در حکمرانی شناخته می‌شوند، بلکه در حوزه‌های متنوعی از جمله محیط زیست، حقوق بشر و آسیب‌های اجتماعی، در سطح ملی و فراملی نقش‌آفرینی می‌کنند. با این حال، بررسی وضعیت و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در ایران نشان می‌دهد در یک دهه اخیر، این نهادها با نوعی انزوای هذمند و برنامه‌ریزی‌شده مواجه شده‌اند. این وضعیت که عمدتا ناشی از نگرانی‌های امنیتی و حساسیت نسبت به ورود به موضوعات حقوق بشری و آسیب‌های اجتماعی است، موجب شده حضور این سازمان‌ها در عرصه‌های گوناگون جامعه کمرنگ و تأثیرگذاری آنها محدود شود. در نتیجه، بسیاری از ظرفیت‌های این نهادها که می‌توانستند در مسیر توسعه پایدار، افزایش سرمایه اجتماعی و توانمندسازی گروه‌های مختلف جامعه نقش‌آفرین باشند، به حاشیه رانده شده و فعالیت‌های آنها عمدتا به اقدامات محدود و کنترل‌شده تقلیل یافته است.

علاوه‌براین، مقایسه تعداد سازمان‌های مدنی و خیریه‌ای در کشور ما با میانگین جهانی نشان می‌دهد فاصله معناداری از نظر تعداد و گستردگی این نهادها وجود دارد. این شکاف نه‌تنها از حیث کمیت، بلکه از نظر توزیع جغرافیایی نیز قابل‌توجه است، به گونه‌ای که تمرکز این سازمان‌ها عمدتا در مناطق برخوردار و کلان‌شهرها بیشتر بوده، در حالی که در مناطق محروم و کم‌برخوردار، این نهادها به طور محسوسی کمتر حضور دارند. این عدم‌توازن در پراکندگی، موجب کاهش دسترسی جوامع نیازمند به خدمات حمایتی، آموزشی و اجتماعی شده و از ظرفیت این سازمان‌ها برای ایفای نقش در کاهش نابرابری‌ها و توانمندسازی گروه‌های حاشیه‌نشین کاسته است.

در کنار چالش‌های محیطی که عنوان شد، چالش‌های درونی این سازمان‌ها نیز نقش مهمی در محدودکردن اثربخشی آنها ایفا می‌کنند که اغلب پیچیده بوده و نیازمند واکاوی دقیق‌تری هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد سازمان‌های مردم‌نهاد در کشور با طیف گسترده‌ای از مشکلات ازجمله محدودیت‌های مالی، کمبود منابع انسانی ماهر، ناتوانی در

علی ربیعی ویلا فلاحی، مدیرکل انتقال خون استان تهران

گزارش

وجود ۲۰ هزار مدرسه فرسوده در کشور

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ۱۷ میلیون دانش‌آموز در ۱۰۸ هزار مدرسه کشور تحصیل می‌کنند، گفت: ۲۰ هزار مدرسه از این تعداد فرسوده هستند، یعنی احتمال ریزش و مشکل برای بچه‌های مملکت وجود دارد.

علیرضا منادی در چهارمین همایش بین‌المللی و یازدهمین همایش و نمایشگاه ملی مدرسه ایرانی معماری اسلامی– ایرانی با بیان اینکه در کمیسیون آموزش مجلس به زنجیره تأمین در تولید مطرح است گفت: زنجیره تأمین در کشور فرسوده است و شما تولیدکننده مدرسه هستید، زنجیره تأمین یعنی ماده اولیه در کارخانه طی فرایندی محصولی را تولید و نهایتا به دست مشتری برساند.

او با بیان اینکه در آموزش به آموزش یکپارچه اعتقاد داریم افزود: در کشور ما آموزش جزیره‌ای است، وزیر آموزش و پرورش، وزیر علوم و… برای خود کار می‌کند. در بحث آموزش تعداد صفر تا شش‌ساله‌های کشور حدودا ۷.۵ میلیون نفر هستند، بهره‌وری و کارایی در این سن بالا و راندمان بیشتری وجود دارد.

منادی با بیان اینکه در کشور فرانسه از سه‌سالگی آموزش رسمی آغاز شده، ادامه داد: در داخل ایران بچه‌های نسل جدید واقعا فوق‌العاده هستند و هوش بالایی دارند. آموزش هوش مصنوعی در دنیا به‌شدت مطرح است و ما باید از اینجا آغاز کنیم.

او با بیان اینکه در قانون متأسفانه آموزش صفر تا شش‌سال‌ها به بخش خصوصی سپرده شده در حالی که باید در دست حاکمیت باشد، گفت: آمار صفر تا شش‌ساله‌ها گنجینه‌های بی‌بیان ایران هستند و ذهن فعال در زمینه کشت مطالب دارند.

منادی با بیان اینکه ۱۷ میلیون دانش‌آموز در ۱۰۸ هزار مدرسه تحصیل می‌کنند گفت: ۲۰ هزار مدرسه از این مدارس فرسوده هستند، یعنی احتمال ریزش و مشکل برای بچه‌های مملکت وجود دارد. همچنین در بحث گرمایش و سرمایش در خیلی از مدارس کشور مشکل وجود دارد.

او با بیان اینکه قطعه دوم زنجیره تأمین آموزش، مدارس هستند افزود: اگر سازمان نوسازی، مدرسه نسازد، فقط معلم و دانش‌آموز و کتاب وجود داشته باشد، به درد نمی‌خورد و باید فضای آموزشی نیز باشد.

منادی با بیان اینکه در آموزش عالی ۳.۵ میلیون دانشجو با صد هزار استاد دانشگاه وجود دارد، ادامه داد: ۱۱ هزار شرکت دانش‌بنیان و تعداد ۱۳هزارو ۶۰۰ شرکت فناوری وجود دارد. دانش‌بنیان‌ها نیز زیر معانیت علمی فناوری‌ها در بحث پارک‌های علم و فناوری در وزارت علوم هستند.

او با بیان اینکه در وزارت علوم، دانشگاه پیام نور فضای زیادی دارد گفت: هزارو ۵۰۰ هیئت علمی اضافه دارد که باید به دانشگاه فرهنگیان که استاد کم دارد، بدهد. در این دانشگاه هر صد دانشجو یک استاد دارد.

منادی با بیان اینکه دانشگاه فرهنگیان اعلام می‌کند فضا ندارد و بچه‌ها در خوابگاه‌های چهارنفره و هشت‌نفره زندگی می‌کنند، افزود: اگر همدلی وجود داشته باشد دانشگاه پیام‌نور ساختمان می‌دهد و دانشگاه فرهنگیان هم هیئت علمی می‌دهد، این‌ها یک‌یک بدون فضا مانده یکی هم هیئت علمی روی دستش باد کرده و باید هزینه و حقوق آنها را پرداخت کند.

او با بیان اینکه زنجیره تأمین آموزش در عرس‌ستان و ترکیه از زنجیره تأمین آموزش ایران خوب‌تر عمل کرده، ادامه داد: در مجلس سر حقوق‌بایای مدرسه دعوا کردیم تا پنج میلیون تومان حقوق آنان زیاد شود. اجازه استخدام ۵۰ هزار بابای مدرسه که کم داریم داده شده است.

منادی با بیان اینکه معماری مدرسه هویت است و ایران باید خوشگل دیده شود عنوان کرد: هر قدر محیط زیبا باشد بر شخصیت اثر می‌گذارد. منادی با بیان اینکه پیشنهاد می‌کنم بخشی از مدارس روستاها: سری‌سازی یا پیش‌ساخته شوند گفت: کارخانه مدارس پیش‌ساخته زده شود تا ظرف یک ماه مدرسه به پیمانکار تحویل داده شود. در یک مقیاس کوچک کار را شروع کنیم یعنی برای مدرسه دوکلاسه یا سه‌کلاسه یک کارخانه زده شود که مدرسه پیش‌ساخته می‌سازد.

^[1] رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ۱۷ میلیون دانش‌آموز در ۱۰۸ هزار مدرسه کشور تحصیل می‌کنند، گفت: ۲۰ هزار مدرسه از این تعداد فرسوده هستند، یعنی احتمال ریزش و مشکل برای بچه‌های مملکت وجود دارد

^[2] او با بیان اینکه در آموزش به آموزش یکپارچه اعتقاد داریم افزود: در کشور ما آموزش جزیره‌ای است، وزیر آموزش و پرورش، وزیر علوم و… برای خود کار